

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده : نعیم سلیمی - کابل / افغانستان
۰۳ اپریل ۲۰۱۹



کشتی شکسته دموکراسی بریتانیای کبیر در حالت غرق شدن است

" دموکراسی هیچ گاهی برای مدت زمان طولانی دوام نمی کند ؛ به زودی به هدر رفته و به اتمام می رسد و خود را
به هلاکت می رساند... "

"جان آدامس"

این جستار اندک و ناچیز را در مورد بحران مادر و یا به عبارت دیگر منشای تمامی بحران‌ها در میان پارلمان
بریتانیای کبیر که در واقعیت مادر تمامی پارلمان‌های جهان می باشد و کلیه بحران‌ها سیاسی ناشی از قانون اساسی غیر
مدون انگلستان و جهان را در خود پرورش می دهد که به صورت کل از کشتی متلاطم دموکراسی انگلیس پرده برمی
دارد ، تخصیص داده ام.

باری افلاطون در ۴۰۰ سال قبل از میلاد در اثر ماندگارش جمهوریت نوشت که "دموکراسی بعد از پیروزی فقراء بر
دشمنان آنها فزونی می گیرد ؛ بعضی از آنها (دشمنان) را به هلاکت می رسانند ؛ قسمت دیگری را تبعید می نمایند و
فقط بعد از آن است که دفاتر سیاسی و مکلفیت ها را با بقیه جمعیت در میان می گذارند ؛ و در این رژیم (دموکراسی –
منتقد) کرسی ها و دفاتر عامه غالباً بر اساس قرعه تعیین می گردند " (دایرة العمارف و یکی پیدیا , Republic , Plato ,
557a.viii).

حالا من سعی می کنم تا داستان ماجرای کشتی شکسته دموکراسی را که افلاطون به آن اشاره نمود، از زبان دیزانر ها
و مفکرین اسلاف انگلوساکسونی این کشتی به طور مختصر توضیح بدهم .

جان آدامس دومین رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا و یکتن از معماران دولت امریکا که در تدوین و تسوید قانون
اساسی آن نقش بسزائی داشت در قرن ۱۸ در رابطه به دموکراسی گفت که "دموکراسی هیچ گاهی برای مدت زمان

طولانی دوام نمی‌کند؛ بزودی به هدر رفته و به اتمام می‌رسد و خود را به هلاکت می‌رساند " ... (نشریه: Founders online , from John Adams to John Taylor / شماره ۱۸ ، ۱۷ دسمبر ۱۸۱۴). نامبرده با جمع‌آوری تجارب انقلاب فرانسه و امریکا و سایر رویدادها در این میان بازم به ادامه‌ی مطلب خاطر نشان می‌سازد که "دموکراسی هیچ‌گاه به اندازه‌ی ارستوکراسی و شاهی تداوم نمی‌یابد و هرگاهی دوام نماید بیشتر از هر یکی از آن ساختارها خونین می‌باشد ". ؛ وقتی ما حوادث خونین نیم قرن اخیر افغانستان و به خصوص دو دهه‌ی گذشته را از پیش چشمان خود می‌گذرانیم ، چنین نتیجه به دست می‌آید مثل این که جان آدمس می‌دانسته چه بلایی بالای افغانستان نازل می‌گردد.

حال بر می‌گردیم به اصل مطلب که عبارت است از مصیبت شناسی دموکراسی و مادر همه‌ی پارلمانهای جهان (انگلستان) از زبان قایق رانان خود این کشتی شکسته که چگونه به دست خود آن را غرق می‌نمایند . "راب سوال" یکتن از مبصران سیاسی مجله در دفاع از مارکسیزم در اینمورد می‌نویسد که " ... خروج از اتحادیه‌ی اروپا محدودیت‌های قانون اساسی غیر مدون دولت شاه‌ی انگلستان و مؤسسات آن را مورد آزمون قرار داد . ما در آبهای نامشکوفی شنا می‌کنیم و آنچه که مربوط به قضیه "تریسا می" (صدر اعظم انگلیس) درین رابطه می‌گردد این است که وی در کشتی که غرق می‌شود بدون داشتن واسکت نجات ، قرار دارد ."

عجز و ناتوانی تریسا می برای قبولاندن برنامه‌ی مقدماتی عملیه‌ی خروج از اتحادیه‌ی اروپا به پارلمان انگلستان و به خصوص همکاران محافظه کار وی در مجلس عوام از یک طرف و در عین زمان به سر رسیدن کاسه‌ی صبر اتحادیه‌ی اروپا با فرا رسیدن ضرب العجل تازه (۱۲ اپریل سال جاری) جهت خروج و عدم تعیین سرنوشت در زمینه از جانب پارلمان انگلیس تا کنون و تشویش و اضطراب حلقات بزنس طبقه‌ی حاکم سرمایه داری برای تعیین آینده سرنوشت شان (آنها طرفدار ابقاء در اتحادیه هستند) از جانب دیگر هم طرفداران خروج از اتحادیه و همچنان کسانی که می‌خواهند در اتحادیه باقی بمانند را در یک دو راهی و سراسیمگی سردرگمی قرار داده است .

مبصران سیاسی انگلیسی ژورنالیستان این کشور در رابطه‌ی این عجز و ناتوانی "تریسا می" اصطلاح و واژه جالبی که خاصه‌ی بیان حالت وی می‌باشد را داخل غیث اللغت زبان انگلیسی نموده‌اند که خیلی جالب است ؛ بسیاری ها نامبرده و برنامه‌ی خروجش را Maybot می‌نامند که از دو واژه یکی اسم دوم وی یعنی May و دیگری Bot عبارت از مخفف Robot ترکیب شده است که به طور خلاصه معنای آن عبارت از موجودی است که نیمه ماشینی و نیمه انسانی که فاقد تدبیر و مهارت لازم سیاسی است .

حکومتی که صرف موجودیت اسمی دارد :

برای دریافت روایت عجز و ناتوانی که در بالا از آن یاد نمودم لازمی می‌افتد تا به قسمتی از سخنان صدر اعظم انگلستان که این ماجرا را شرح می‌دهد توجه کنیم : " در تقابل با پارلمان مخاصم ، تریسا می با عوامفریبی از مردم درخواست نمود تا وی را در حل بحران کمک کنند . " شما از کشمکش‌ها درونی و بازی‌های سیاسی خسته شده‌اید . " او برای ملامت سازی اعضای پارلمان چنین سخنانی را اظهار نمود . و در ادامه گفت " من با شما هستم " . مگر سخنرانی صدر اعظم با ایجاد فضای از خود بیگانگی نزد تمامی مردم / طرفداران خروج و مخالفان آن ، عکس العمل معکوسی را با خود داشت . به احتمال قوی چنین معلوم می‌شود که او هرگز برنامه‌ی عمل خروجی اش را از اتحادیه ترتیب اثر نمی‌دهد ... " (باز هم همان جا در عین مجله ، بریتانیا مادر همه‌ی بحرانات ، ۲۷ مارچ ۲۰۱۹) . آنچه که در ادامه این نوشته در تبصره نویسنده واقعاً خنده آور به نظر می‌رسد این است که وی کرکتر تریسا می را به

سوار کاری تشبیه می نماید که بالای اسپ مرده ای که گپ می زند سوار بوده و آن را تازیانه می زند، مگر اسپ از جایش تکان نمی خورد . مراد ازین اسپ سخنگو ، پارلمان است و سوار کار آنهم تریسامی می باشد . این قیاس در عین حال موقف نکبتبار او را در پارلمان و حکومت نشان می دهد که تمامی تلاش هایش در آنجا به ناکامی می انجامد .

از لایه لای اظهارات صدر اعظم معلوم است که اعتماد میان مردم و حکومت از یکطرف و از جانب دیگر عدم داشتن پلان مشخصی برای خروج از اتحادیه اروپا از جانب دیگر فلسفه وجودی حکومت را زیر سؤال برده است . طرفداران صدر اعظم با صراحت لهجه خواستار استعفای وی می باشند و از جانب دیگر اعضای حزب محافظه کار کاردها را به گلون های یک دیگر زمانی فشار می دهند که کشتی شکسته دموکراسی انگلستان در حالت غرق شدن قرار دارد ، مثل این که در روم باستان امپراتور نرون می دید که روم در آتش می سوزد و او صرفاً نظاره می نمود که چگونه می سوزد و ویران می شود .



جورج فریمن عضو محافظه کار پارلمان انگلیس در صفحه تویترش نوشت: " می ترسم که بگویم همه چیز پایان یافته است . او (تریسا می) بهترین تلاش خود را در زمینه انجام داد ؛ مگر در سراسر کشور شما می توانید خشم و غضب را مشاهده کنید . هر کسی فکر می کند که به وی خیانت شده ؛ حکومت به بن بست مواجه است ؛ اعتماد به دموکراسی می میرد ، و می شود که این لیست را طولانی ساخت "

تشویش و دلهره طبقه حاکم:

با در نظر داشت آنچه گفته آمد طبقه حاکم جامعه انگلیس (بورژوازی انگلیس) هراس دارند تا تریسا می و حکومتش را در معرض خطر از دست دادن رأی اعتماد ببینند . تمامی این بحران مسأله سقوط حکومت و انتخابات عمومی را مطرح می سازد که با فرارسیدن ۱۲ اپریل گزینه انتخاب لیدرشپ جدید را بسیار دشوار می سازد .

روزنامه The Sun انگلستان در یکی از تازه ترین تبصره های سیاسی خود تشویش و دلهره طبقه حاکم را چنین اظهار می نماید : " طرفداران خروج و محافظه کاران (حزب توری) که می خواهند در اتحادیه بمانند نزدیک است قدرت را به "جیرمی کوربین" (رهبر حزب کارگر انگلستان) مارکسیست واگذار کنند " .



نهاد سرویشن Survation که یکی از منابع دقیق و معتبر نظر خواهی افکار همگانی می باشد و نتایج انتخابات سال ۲۰۱۷ را پیشبینی نمود در تازه ترین نظر خواهی مؤرخ ۱۵ مارچ " برای حزب کارگر ۴ پاینتی به جلو را قابل شده است ، ۳۹ درصد (۳ درصد بیشتر) در برابر حزب توری (محافظه کار) ۳۵ درصد (۵ درصد پائین) . این مطلب در یک افاده پارلمانی بیانگر آن است که حزب کارگر در پارلمان ۳۰۳ کرسی و حزب توری ۲۵۵ کرسی را احراز خواهند کرد ."

من در بالا به طور اختصار در یک جایی در میان حلالین یاد آور شدم که حلقات بزنس، خواهان بودن در اتحادیه می باشند و آنها برای توجیه دیدگاه شان خواهان برگزاری رفراندم مجدد می باشند که یکی از جنجال برانگیز ترین مباحثات در دموکراسی انگلستان می باشد که در این جستار اندک جایی برای آن نیست . ولی فقط من می خواهم بالای یک نکته در اینجا ابراز نظر کنم و آن این که ببینیم چگونه و چرا وجدان جمعی سیاسی در یک رفراندم دموکراسی بورژوازی لیبرال از آنچه که ان را قبلاً نچندان در یک فاصله زمانی دور نسخه درست برای نجات تلقی می گردید، تغییر نظر داده و حالا بالای تصمیم قبلی خود تصمیم مجدد می گیرند که این خود علامتی از یک بحران عمیق در قانون اساسی انگلستان را نشان می دهد که چگونه رفراندم نمی تواند معیار دقیق برای سنجش افکار عامه باشد ؛ دلایل زیادی برای این تغییر نظر وجود دارند ولی عمده ترین آن این است که دموکراسی چی در تیوری و یا هم در عمل نباید که چون جسم مرده و یک وسیله یکبار مصرف تلقی گردد ؛ زیرا که ما باید ساختار های سیاسی ؛ از جمله دموکراسی را یک پروسه زنده در زمینه های تکامل اجتماعی بدانیم ؛ یعنی که دموکراسی در روز برگزاری انتخابات از هر نوعی که باشد ختم نمی گردد، بلکه فقط باید آن را شروعی برای یک آغازی از یک فصل جدید دانست و بس؛ در حالی که در کشورهای چون انگلستان و ایالات متحده امریکا مردم هر ۴ سال بعد و یا اندکی متفاوت به سوی صندوق های رأی گیری می روند و فقط تا همان لحظه آزاد اند که رأی خود را در صندوق می ریزند و وقتی که از آن صندوقچه های شیطانی بیرون شدند، در آنصورت برای ۴ سال دیگر در پا های آنها زنجیر های اسارت بسته می شود و دیگر تمام .

ما تا الحال از مادر بحران ها و مادر پارلمان های جهان یاد آوری نمودیم ؛ یکی از فرزندان ناخلف این مادر را پارلمان افغانستان اشغالی تشکیل می دهد که عمر آن بیشتر از دو دهه نیست و در سال ۲۰۰۱ در کنفرانس بن حمل برداشت و در فاصله زمانی اندکی نچندان دور پا به عرصه وجود گذشت .

همان داستان اسپ مرده ای که سخن می گفت و در نمونه مثال بریتانیای کبیر سوارکار آن تریسا می بود ، در مورد افغانستان نیز صدق می کند ؛ منتها با این تفاوت که در آنجا این اسپ سخن می گفت ؛ ولی اینجا کاملاً خاموش است ؛ مدت هاست که دهان آن را دوخته اند و سرنوشت آن الی افتتاح آشیانه دیگری از دزدان نسل جدید (عده محدود عناصر پاک مشمول این قاعده نیستند) ، هنوز معلوم نیست ؛ کمیسیون های انتخاباتی همه کاملاً از فلتر رئیس جمهور غنی احمد زی ، چاپنداز اسپک چوبی افغانی (پارلمان افغانستان) گذشته اند ، هرچند خیلی ها دقت لازم در زمینه صورت گرفته ، ولی باز هم فلتر های یکبار مصرف نتوانستند آب های گنده را تصفیه نمایند ، چون آب از سر چشمه آلوده است : "روزنامه ۸ صبح به سندی دست یافته که نشان می دهد ، اورنگ زیب ، معاون کمیسیون مستقل انتخابات (منتقد / کمیسیون تازه تشکیل) و سر پرست ریاست پیشین دارالانشأ کمیسیون مستقل انتخابات با برخی دیگر از همکارانش با آماده سازی اسناد ۴۱۵ قطعه تکت هواپیمای جعلی ، حدود ۸۵ هزار دالر امریکائی را حیف و میل کرده است . هزینه این اختلاس را حکومت پرداخته است) " ۸ صلح ، علی آرش - چهار شنبه ، ۲۹ حوت ۱۳۹۷ .

عین داستان خروج از اتحادیه اروپا (ضرب العجل ۱۲ اپریل) در مورد چگونگی تعیین تاریخ انتخابات ریاست جمهوری افغانستان نیز صدق می کند ؛ اول قرار بود تا در ۳۱ حمل سالجاری برگزار شود ؛ بعدا این تاریخ به ۲۹ سرطان پای کشید و حالا ۶ میزان را در تقویم انتخاباتی نشانی نموده اند (!) ؛ گفتیم اسپ افغانی گپ نمی زند و به کلی مرده است ؛ ولی طوری که دیده می شود این اسپ با وصف آن که مرده است راه می رود و در یک زمان و مکان معینی توقف نمی کند .

در یک نتیجه گیری کوتاه و مؤجز باید یاد آور شوم راه حل بحران دموکراسی انگلستان را نباید در بودن در کلوپ سرمایه داران اروپا (اتحادیه اروپا) و یا هم در خروج از آن جست و جو نمود ، زیرا که هردو گزینه سبب دامن زدن سرایت عطش نامطلوب نشنالیزم سرمایه داری در میان طبقه کارگر انگلستان و سایر کشور های اروپائی می گردد که انقسام و تفرقه را میان زحمتکشان ایجاد می نماید ؛ راه حل این معضل را باید در ایجاد وحدت و همبستگی میان تمامی طبقه کارگر و زحمتکشان اروپا و جهان از یکسو و انهدام و نابودی دموکراسی سرمایه داری جست و جو نمود که بر سر مخروبه های آن بنای جدیدی از یک دموکراسی مستقیم توده ئی شورائی با در نظر داشت اصول پلورالیزم سیاسی اپوزسیون انقلابی که در آن هیچ سخنی از مرموز بودن و سری بودن رأی و تمثیل اراده توده های مردم نباشد ، بنا گردد . من یکبار دیگر نیز در گذشته بالای این مطلب تأکید نموده و یاد آور شده بودم زمانی که دموکراتها و جمهوریخواهان در امریکا که دو جناح یک حزب واحد را در جمهوریت ایالات متحده امریکا تشکیل می دهند می توانند در پهلوی هم در ساختار سیاسی قدرت سهیم و شریک باشند ، پس چرا عین این قاعده سیاست نتواند در دموکراسی های شورائی که تاریخ زمینه های نطفه ئی آنها را در فرانسه ، المان و روسیه قبلاً موفقانه آزمایش نموده است دوباره مورد امتحان مجدد نهادینه و بنیادی قرار گیرد . البته در پهلوی آن دیگر اشکال خوب کاربرد دموکراسی مثلاً گزینش حسب قرعه در نوع دموکراسی آنتی دولتهای رنسانس فلورانس و وینیز در تمدن حوزه روم و یونان باستان و همچنان در عصر حاضر در امریکا ، استرالیا ، هالند و بیشتر از همه در جمهوری ایرلند می تواند سراغ گردد که خلاهای انتیک و بیکاره موجود در ابزار های انتخاباتی قرن ۱۸ (کمیسیون های انتخاباتی و غیره) را پر نماید .

به امید تحقق دموکراسی شورائی در سراسر جهان!

همه قدرت باید در جامعه به شورا های مردم تکیه نماید!

پایان

دیدگاه شما...